



خط و نشان برای آشوراده

معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست، به مدیران کل استان‌های گلستان و مازندران دستور داد تا اطلاع ثانوی هیچ دستگاهی فعالیت عمرانی و اجرایی در جزیره آشوراده نداشته باشد. به گزارش مهر، حمید ظهیری با اشاره به اتخاذ تصمیم سازمانی در خصوص نحوه پیگیری طرح طبیعت‌گردی جزیره آشوراده گفت: «تا اطلاع ثانوی در محدوده‌های موسوم به ۲۲ هکتاری و ۴۸ هکتاری هرگونه فعالیت عمرانی و اجرایی اعم از ورود مصالح و منابع قرصه و ساخت‌وساز مربوط به هر یک از دستگاه‌های ذی‌نفع در جزیره ممنوع و تخلفات احتمالی دستگاه‌ها قابل پیگیری قانونی و حقوقی است.» او همچنین از محیط‌زیست استان گلستان خواست تا گزارشی از آخرین وضعیت طرح طبیعت‌گردی آشوراده به‌ویژه قرارداد با سرمایه‌گذار را به این معاونت اعلام کند.



میزان افزایش حقوق بازنشستگان

معاون فنی و امور بیمه‌های صندوق بازنشستگی کشوری با اشاره به صدور احکام متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری اعلام کرد که حقوق مهرماه بازنشستگان همراه با مابه‌التفاوت ناشی از متناسب‌سازی پرداخت شده است. رضا فیضی‌نژاد ادامه داد: «از این پس نیز حقوق بازنشستگان تا پایان سال با اعمال رقم ناشی از ۴۰ درصد اجرای متناسب‌سازی در سال ۱۴۰۳ واریز خواهد شد این در حالی است که کمترین میزان افزایش مستمری هر بازنشسته کمتر از یک‌میلیون تومان نخواهد بود.» او در پاسخ به این سوال که با اعمال ۴۰ درصد ناشی از متناسب‌سازی، به‌طور میانگین چقدر به حقوق بازنشستگان کشوری افزوده خواهد شد؟ گفت: «پیش‌بینی می‌شود که به‌طور میانگین دو میلیون تومان به حقوق بازنشستگان اضافه شده باشد.» معاون فنی و امور بیمه‌های صندوق بازنشستگی کشوری در پاسخ به این سوال که مبلغ مابه‌التفاوت ناشی از اجرای قانون مذکور طی شش ماه گذشته چه زمانی به حساب بازنشستگان واریز می‌شود؟ نیز گفت: «باتوجه به اینکه تاکنون برای شش‌ماه ابتدایی سال ۱۴۰۳، به‌صورت علی‌الحساب شش میلیون تومان به حساب هر بازنشسته واریز شده است، مابه‌التفاوت این مبلغ براساس اعلام‌سازمان برنامه و بودجه تا پایان آبان‌ماه پرداخت خواهد شد.»



هدسار درباره کمبود متخصصان

علیرضا سلیمی، معاون بهداشت وزیر بهداشت و رئیس شانزدهمین کنگره بین‌المللی آنستزیولوژی، با بیان این‌که اقبال نسل جدید به رشته پزشکی در کل دنیا کم شده و رشته بیپوشی به‌دلیل آن‌که جزورشته‌های سخت، پراسترس و بامسئولیت‌بیشتر تلقی می‌شود هم متقاضیان کمتری دارد، گفته است: «در ایران به‌دلیل درآمد پایین این رشته و تعرفه‌های ناآعادانه، کاهش تقاضا برای ورود به رشته دستگیری بیپوشی به‌شکل غیرعادی کاهش یافته و روندی شدیدتر یافته است.» او با اشاره به اینکه در کنار بی‌ رغبتی پزشکان جوان برای ورود به رشته بیپوشی، تعداد زیادی از متخصصان این رشته نیز از ایران مهاجرت کرده‌اند، ادامه داد: «افزایش کادرب ظرفیت‌ها در این رشته، کمکی به حل کمبود نیروی انسانی نکرده و کمبود پزشکان بیپوشی به‌طور قطع در آینده نزدیک در حوزه خدمات مربوطه که باعث افزایش کیفیت درمان و رضایتمندی بیماران می‌شود، تأثیر منفی بر جای خواهد گذاشت.»

شب روشن

روایتی از تجربه ساکنان تهران از صدای انفجار سحرگاه دیروز و تحلیل آنچه این روزها ایرانی‌ها تجربه می‌کنند



تکمیل: آرش خاموشی/هم‌پیمان

سارا سبزی، زهرا جعفرزاده گروه جامعه

خیلی دیگر از ساکنان تهران را برد به سال‌های جنگ ایران و عراق، به شب‌های موشک‌باران تهران، وقتی که آدم‌ها با بلندشدن صدای آژیر قرمز، دست هم را می‌گرفتند و در تاریکی شب به پناهگاه‌ها و زیرزمین‌ها پناه می‌بردند. آن ترس هشت‌ساله، پس از سال‌ها، از ساعت ۲ بامداد شبیه تا صبح زود، دوباره مهمان ذهن تهرانی‌ها و چند شهر دیگر شد.

«خاطره جنگ در ذهن من بسیار زنده است، چون خانواده‌ام به‌طور مستقیم با این موضوع درگیر بودند؛ مثل هزاران خانواده دیگری که در جنگ ایران و عراق عزیزانی را از دست داده بودند، عمومی من هم پیش از آنکه به دنیا بیایم شهید شده بود و پدرم همه هشت‌سال جنگ را در جبهه بود، من و برادرم در دوره جنگس به دنیا آمدیم و پدرم گاهی به مرخصی می‌آمد، به همین دلیل وقتی اسم جنگ می‌آید، ناخودآگاه آن روزها برابرم زنده می‌شود؛ یعنی دیگر تفاوتی نمی‌کند که بگویم شکل جنگ‌ها تغییر کرده است، اسم جنگ برای من خاطره‌های بچگی‌ام رازنده می‌کند.»

ناهدید اینها را با گریه تعریف می‌کند و می‌گوید، جمعه‌شب هم با صدای شلیک ممتد از خواب پرید و بعد متوجه شد این صدا از شلیک پدافند در مرکز تهران بوده: «خانه من هم دقیقاً در مرکز تهران است، از خواب پریدم و برای چند ثانیه فضا، زمان و مکان را گم کردم. تبدیل شدم به دختر بچه چهارساله‌ای که اولین خاطره‌ای که برایش شکل گرفته بود، بمباران سال ۶۶ تهران بود. آن ترس و بی‌پناهی دوباره برابرم زنده شد. اولین خاطره در ذهن من، صدای وضعیت قرمز و موشک‌باران تهران است؛ پدرم جبهه بود، برادرم یک‌سال ونیمه بود، مادرم در آشپزخانه داشت آشپزی می‌کرد و شاید چند دقیقه قبل از اذان شب بود که وضعیت قرمز شد. مادرم همیشه می‌گفت در وضعیت قرمز باید به سمت زیرزمین فرار کنیم، من نمی‌توانستم فرار کنم چون می‌ترسیدم برادرم را تنها بگذارم. مادرم رسید، برادرم را بغل کرد و گفت، ناهید بدو، وقتی می‌رفتم در پناهگاه، همه مدت به این فکر می‌کردم که حتماً همه را در جبهه کشته‌اند که هوایماهاای صدام به تهران رسیده است و پدرم هم احتمالاً مثل عمومی شهید شده و باید عکسش را قاب کنیم و به دیوار بزنیم. آن زمان یک مسجد جامع سر کوچه ما بود و حمله‌هایی را با عکس‌های شهدا آنجا نصب می‌کردند. من فردای هر موشک‌باران می‌رفتم و دنبال عکس پدرم می‌گشتم، وقتی می‌دیدم عکس پدرم نیست خیالم راحت می‌شد و برمی‌گشتم.» ناهید وقتی صداهای ممتد

را در جمعه‌شب شنید، همه آن روزها برایش زنده شد: «واقعاً فکر کردم دارم خواب می‌بینم، چون کابوس‌هایم هنوز مربوط به زمان جنگ است. با گریه و نفس تنگی، همسرم را از خواب بیدار کردم چون ترسم از جنگ می‌داند. گفت، احتمالاً اسرائیل حمله کرده. امیدوارم این آخرین تجربه نه‌فقط من، که نسل جدید و بچه‌های چهار، پنج ساله این روزها باشد. استرس جنگ واقعاً چیز بدی است و می‌تواند زندگی آدم‌ها را نابود کند. امیدوارم از این فصل بگذریم. وقتی جنگی در هر جای جهان شروع می‌شود، یا هیچ قطعنامه و دست‌دادن دیپلماتی تمام نمی‌شود. جنگ در ذهن آدم‌ها تا وقتی زنده‌اند ادامه پیدا می‌کند.»

شب بیداری در سایه جنگ

تجربه مریم، امیر، قاتزه و فریده هم مشابه ناهید است: آنها تا زمانی که آفتاب میان آسمان تهران جانگرفت، نخوابیدند. مریم مجبور شد به‌دلیل حمله عصبی، به اورژانس رنگ بزند. امیر نگران خانواده‌اش در تهران بود، قاتزه به بمباران‌های تهران در جنگ هشت‌ساله برگشته و مدام گریه می‌کرد و فریده، دست بچه‌هایش را گرفته بود و به راه‌پله خانه‌اش رفته بود. این خلاصه حس‌های است که آنها زیر سایه جنگ تجربه و برای «هم‌میهن» بازگو کردند. تجربه مهاجران ایرانی در شهرهای دیگر هم مشابه بود؛ آنها مدام در شبکه اجتماعی ایکس می‌نوشتند که در دوری، چاره‌ای جز نگرانی و گریه ندارند. مثل غزاله که نوشت: «از اینکه ایران و کنار عزیزانم نیستم، خجالت می‌کشم.» مهران هم حس مشابهی داشت: «شما به ما می‌گویید مهاجرت کرده‌ایم و راحت شده‌ایم، اما این اسمش راحت‌شدن نیست.»

حمایت از گفتمان صلح

محمد مهدی مجاهدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران است و معتقد است که برای ایجاد گفتمان صلح در جامعه، باید از دیپلماسی فعال کشور حمایت کرد؛ همان دیپلماسی‌ای که باعث شد اتفاقات از آنچه رخ داده، وخیم‌تر نشود: «اگر دیپلماسی ما فعال نبود، قطعاً الان ما درگیر جنگ شده بودیم. آن اقدام غیرقانونی وسیع و ویران‌کننده که ممکن بود یکی از سناریوهای ما باشد، اما رخ نداد، نشان‌دهنده همین دیپلماسی فعال است.» این تحلیلگر مسائل سیاسی درباره اظهار نظرهای دوگانه‌ای که در جامعه به‌خصوص در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته و از یک طرف در حمایت از جنگ است و از طرف دیگر، خودداری از ورود به جنگ، می‌گوید که به حکم ایرانی بودن همه باید نگران حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی و مرزی باشیم و این موضوع باید بین تمام نیروهای متکثر اجتماعی مشترک باشد و هر چه قیمتی که شده، باید تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی حفظ شود.

او در ادامه این مسئله را مطرح می‌کند که نیروهای موجود موثر در بیرون و داخل کشور، چه نیروهایی هستند و برای حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی در چه نقطه‌ای ایستاده‌اند و چه کاری می‌توانند انجام دهند. او این نیروها را به چهار دسته تقسیم می‌کند؛ یک دسته از این نیروها افرادی هستند که نه می‌توانند، نه اراده‌ای برای حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران دارند. دسته دوم کسانی هستند که اگر اراده داشته باشند، می‌توانند در این زمینه اقدام کنند؛ از جمله قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل

عرصه بین‌المللی روبه‌رو شده‌ایم که هم گذار قدرت از غرب به شرق و تکرر بازیگران در عرصه بین‌المللی است، هم گذار قدرت از بازیگران سنتی و دولتی صرف به سمت بازیگران منطقه‌ای است. محصول این دوران گذار قدرت چند ویژگی است؛ ما با جنگ‌های محدود یا گسترده منطقه‌ای مثل اوکراین و سوریه، اسرائیل و حماس، آذربایجان و ارمنستان، اسرائیل و ایران و احتمالاً چین و تایوان روبه‌رو هستیم. ویژگی دوم کاهش نقش قدرت‌های جهانی در پویایی منطقه‌ای است؛ یعنی به‌دلیل توزیع قدرت بین‌المللی پویایی منطقه‌ای عملاً به بازیگران منطقه‌ای واگذار شده است.

ویژگی سوم هم کاهش نقش نهادهای بین‌المللی در مسائل منطقه‌ای به‌خصوص در مورد صلح و امنیت است که عملاً ناتوانی شورای امنیت هم در مورد تجاوز روسیه به اوکراین، هم درباره مسائل غزه در یک‌سال گذشته و جنایات اسرائیل ضد مردم غزه و لبنان ایجاد کرد. از سوی دیگر، قطبی‌شدن نهادها و گروه‌های جهانی را می‌بینیم. وضعیتی که امروز در عرصه نهادهای بین‌المللی وجود دارد، نوعی قطبی‌شدن است که نمونه آن شکل‌گیری نهادهایی مانند بریکس و نهادهای مشابه در مقابل گروه‌بندی‌های سنتی متعارف است.

ویژگی پنجم این دوران گذار هم استفاده روزافزون از درگیری‌ها به‌عنوان عامل مشروعیت نظام سیاسی در داخل است؛ یکی از دلایل تداوم جنگ غزه و گسترش آن به سمت لبنان، تلاش نتانیاهو برای ماندن در عرصه سیاسی است. مسئله ایران و اسرائیل و غزه و لبنان هم یک مصداق از روند کلی است و احتمالاً این روند ادامه پیدا می‌کند. تا زمانی که در این گذار قدرت قرار داریم وثباتی نسبی در ساختار نظام بین‌المللی ایجاد نشود، با این درگیری‌های نظامی روزافزون به‌خصوص در سطوح منطقه‌ای روبه‌رو خواهیم بود. از سوی دیگر تلاش‌هایی که می‌خواهد میان بازیگران و دولت‌ها صلحی نسبی در عرصه بین‌المللی ایجاد کند. سابقه گفتمان صلح در

زمانی که موضوع گفتمان صلح مطرح می‌شود، ما با دو گفتمان روبه‌رو می‌شویم: یک، گفتمان صلح به‌عنوان کنش مدنی و کنش جمعی فروملی است که برای مجاب کردن تصمیم‌گیران به در نظر گرفتن ارزش‌ها و آثار مخرب اقتصادی، اجتماعی و روانی درگیری‌های نظامی است. این گفتمان توسط بازیگران اجتماعی و کنشگران مدنی جوامع از طریق رسانه‌های اجتماعی مانند توییتر و... در سال‌های گذشته امکان‌پذیر بوده و تا حدی اثر گذاشته است؛ چون این کمیون‌ها می‌توانند منجر به شکل‌گیری خواست اجتماعی در سطح ملی شود و در نتیجه آن ملاحظات و محاسبات تصمیم‌گیران و رهبران سیاسی کشورها افزایش پیدا کند؛ متغیرهایی که آنها در تصمیمات خود مدنظر قرار می‌دهند.

دومین نوع گفتمان صلح هم در میان نخبان دولتی مطرح می‌شود که تاریخ دانش روابط بین‌الملل چند روش را برای این کار پیشنهاد می‌کند؛ یکی وابستگی متقابل میان کشورهاست که در اتحادیه اروپا مورد آزمون قرار گرفته و تا حدی به نتیجه رسیده است. دیگری، نقش‌آفرینی و ایجاد نوعی ثبات هم‌ژئوپولیتیک است که به‌دلیل گذار قدرت تا حد زیادی از بین رفته است و در نهایت، توازن تهدید بین بازیگران به‌خصوص منطقه‌ای و در نتیجه بازدارندگی بین این دو کشور رخ می‌دهد. شاید دو مسیر اول در روابط ایران و اسرائیل تأثیری نداشته باشد و احتمالاً توازن تهدید یا قدرت تنها راه ایجاد یا تقویت گفتمان صلح - به‌معنی صلح حداقلی یعنی نبود جنگ و درگیری نظامی میان دو کشور- است. توازن تهدید به این معناست که مقامات دو کشور بعد از نمایش قدرت امنیتی و نظامی خود در چند دور درگیری مستقیم به این ادراک برسند که در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت، چرخه تنش را متوقف کنند؛ چون تعاضد آن منجر به تهدیدات وجودی و هستی‌شناختی برای آنها می‌شود.

از طرف دیگر ما امروز در عرصه جهانی با یک روند کلان، یعنی گذار قدرت در

نگاه پژوهشگر

صلح قربانی دوران گذار بین‌المللی

حیدرعلی مسعودی
استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شهیدبهشتی